

# ریشه ی این همه تبعیض به زیان کارگران ایرانی در کجاست؟

یاور

کانون مدافعان حقوق کار گر

امروز ما شاهد قراردادهایی با شرکتهای چند ملیتی، یک طرفه و غیرشفاف هستیم با شرایطی که بدتر از قرارداد های دوران قاجاریه با دارسی است.

شرکت دایلم (DAELEM) کره جنوبی با یک شرکت دلالی کار (منپاوری) بنام T. C. N قراردادی در مورد استخدام کارگر منعقد نموده که کلیه کارگران مورد نیاز شرکت دایلم از کارگر نظامی تا جوشکار و لوله کش صنعتی و داربست بند و ... را در اختیارش قرار دهد. البته نه از نیروی کار ایرانی بلکه از کارگران فیلیپین و کره و چین و هند و مالزی. این شرکت در شمال پارس جنوبی در کنگان فعال است. اگر یک کارگر اروپایی یا امریکایی از این خبر آگاه شود اولین تصویری که به ذهنش خطور میکند این است که ایران به اشتغال صد در صد رسیده و حتی نیازمند نیروی کار کارگران خارجی است!! آیا در واقع همین گونه است؟

آیا این شکل جدیدی از استثمار نیروی کار با اهداف جدید است یا یک پدیده پیچیده استعماری؟؟ امروز ما شاهد قراردادهایی با شرکتهای چند ملیتی، یک طرفه و غیرشفاف هستیم با شرایطی که بدتر از قرارداد های دوران قاجاریه با دارسی است. شرکت های منپاوری بدون یک ریال هزینه، بدون هیچ سرمایه گذاری در ابزار تولید، یا در هیچ زمینهای دیگری فقط واسطه های بین نیروی کار و متقاضی نیروی کارند. این مناسبات واسطه های، الگوی امریکایی صندوق بین المللی پول است برای خلق یک طبقه انگل، بدون کار، و بدون سرمایه، برای حذف بخش دیگری از حقوق زحمت کشان و ریختن آن به جیب سرمایه داران تا پروژه های اجرائی هر چه پرهزینه تر شود.

شرکت منپاوری T. C. N چهارصد نیروی کار فیلیپین به پارس جنوبی وارد کرده است که بدون استثنا تخصص ندارند. روستایی بیسواد فیلیپینی را به عنوان کارگر ساده و نظافتچی معرفی میکند با

ماه‌یانه ۸۰۰ دلار که با دلار سه هزار و چهار صد تومان، حقوق این نظافتچی می‌شود (دریافتی کارگر فیلیپینی) دو میلیون و هفتصد و بیست هزار تومان. این دریافتی آن کارگر ساده است. اگر اضافات دیگر را چون سهم خود منپاور، هزینه‌های رفت و آمد آن‌ها و ... به آن اضافه کنیم به رقمی میلیونی می‌رسیم که ایران باید بابت يك کارگر ساده پرداخت کند. در حالی که کارگر ایرانی بیکار و گرسنه آرزوی درصدی از این مبلغ را دارد.

به این اعداد توجه کنید. شرکت دایلم بابت استخدام يك مهندس ایرانی مبلغ ده هزار دلار از دولت ایران دریافت می‌کند. حداقل هشت هزار دلار و حداکثر ده هزار دلار. ولی مهندسان استخدامی کره‌ای رقم بسیار بالاتری می‌گیرند که ما اطلاع نداریم. با توجه به دلار ۳۴۰۰ تومان دریافت دایلم از دولت ایران می‌شود: سی و چهار میلیون تومان که مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان را به مهندس ایرانی می‌دهد و هزینه خوابگاه و غذایی که خود کره‌ای اعلام می‌نماید مبلغ هفتصد و سی هزار تومان بابت هر مهندس است. کل هزینه بابت يك مهندس می‌شود سه میلیون و دویست و سی هزار تومان بقیه به کیسه شرکت کره‌ای می‌رود. این شرکت بابت يك مهندس ایرانی یازده و هشت دهم برابر پول دریافت می‌کند. این نسبت برای کارگران کمتر می‌شود ولی به‌رحال این چه ضرورتی است که می‌باید يك فرد به عنوان واسطه و دلال بین شرکت‌های متقاضی کار و کارگر قرار گیرد و سهم عمده‌ای از حقوق کارگر را بدون کار، تنها به دلیل دلالتی، یعنی مناسبات غیرضروری و تحمیلی اقتصاد نئولیبرالیستی به کیسه خود بریزد؟! چرا حاکمیت موجود از ایجاد تشکلهای کارگری که می‌توانند قراردادهای دست‌جمعی برای حفظ و دفاع از حقوق کارگر ببندند جلوگیری می‌کند؟! مگر قرار نبود اقتصاد ما نه شرقی باشد و نه غربی و اقتصاد اسلامی ورد زبان مسئولان نبود؟ آیا اقتصاد اسلامی همان تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی و چاپیدن کارگران توسط دلالان و برنامه و مناسبات اقتصادی پیشنهادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است؟ اگر قبلاً "اشتباه کرده بودید شفاف با مردم در میان بگذارید. چگونه می‌شود که از يك سو الگوی اقتصاد امریکایی را با شوق و ذوق در ایران به کار می‌بندید و از سوی دیگر خود را در حال جنگ با او اعلام می‌کنید. به هر حال به اصل موضوع برگردیم.

خوابگاه‌ها و غذا و سرویس رفت و آمد همان کارگران ساده بسیار مطلوب است. آن‌ها را با اتوبوس‌های شیک و کولردار جابه‌جا می‌کنند. اگر کارگران ساده فیلیپینی اضافه کار بمانند يك میز بزرگ از كيك

و نوشابه‌های خارجی خریداری شده از دبی را به آن‌ها عرضه می‌کنند. ولی کارگر فنی ایران باید روی خاک و در ظرف يك بار مصرف غذا را میل کند. از میان کارگران فیلیپینی، آن که کوره سوادى دارد، فورمن می‌شود مثلاً" فورمن داربست‌بند. (سرپرست ۴ نیروی اجرایی) این فرد بدون این که خودش دست به آچار بزند، ماهیانه دو هزار و سیصد دلار دریافت می‌کند. یعنی معادل هفت میلیون هشتصد و بیست هزار تومان که هیچ مهندس ایرانی چنین مبلغی را در خواب هم نمی‌بیند. حقوق يك فورمن ایرانی در همان کنگان يك میلیون و ششصد هزار تومان است که همان را هم هر ماه دریافت نمی‌کند. شرکت کره‌ای که می‌داند قانون کار در ایران تنها يك مترسك روی خرمن است. ماهانه ۵/۲ روز مرخصی استحقاقی مهندسان ایرانی را پرداخت نمی‌کند. کارگران وارد شده بوسیله شرکت T. C. N هیچ کدام تخصصی ندارند آن‌ها یا خواندن نوشتن را می‌دانند یا نه، بی‌سوادها کارگر ساده و نظافت چی می‌شوند و بقیه که سواد خواندن دارند روانه سالن‌های بزرگ ساخت قطعات (شاپ‌ها) می‌شوند تا با ماه‌ها تمرین با هزینه دولت ایران، يك جوشکار درجه ۳ بشوند یا يك فیترا(لوله کشی صنعتی). چرا دولت همین امکان را برای این همه لیسانس‌های بیکار ایرانی فراهم نمی‌کند؟ آیا چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام نیست؟ آیا این حرام حلال شده و چراغ، یا همان درآمد ناشی از کار باید خانه فیلیپینی و چینی و مالزیایی را روشن کند ولی کارگر ایرانی گرسنگی را تجربه نماید؟! این کارگر ساده فیلیپینی پس از تمرین زیاد، عاقبت جوشکار می‌شود. وقتی جوشکار درجه ۳ شد، ماهیانه ۱۸۰۰ دلار دریافت خواهد کرد که معادل شش میلیون و یکصد هزار تومان است ولی پولی که شرکت دایلم بابت این کارگران می‌گیرد سر به فلک می‌زند. رقم حقوق جوشکار در ۸/۱۱ برابر ضرب کنید. گویی ایران تنها برای ایرانی‌ها يك جهنم است ولی برای بیگانگان بهشتی است استثنایی ولی نه برای هر بیگانه‌ای، کارگران افغانی در ایران شرایطی بسیار بدتر از شرایط کارگران ایرانی دارند. در سایت هر پروژه پارس جنوبی ده‌ها لیسانس و مهندس و متالوژ جوان ایرانی به جای دیدن آموزش به کار نظافت‌چی‌گری و یا عملگی با بیل و کلنگ می‌پردازند و به قولی، آچار به دستند، با حداقل حقوق و خوابگاه‌های سراسر ساس (حشره‌ی گزنده‌ی خون‌آشام) و پتو و تشک‌های سیاه شده از چرك و بوی نای و حقوقی که پس از سه الی چهار ماه با استرس و اعتصاب بدست می‌آید. آیا مدیران حکومتی نمی‌دانند که حداقل باید سر هر ماه حقوق يك کارگر پرداخت شود؟ روزنامه‌ها پر است از اخبار دیرکرد حقوق کارگران و آقایان مسوول برایشان اهمیت ندارد. چرا؟؟ چرا قانون کار فقط در يك کتابچه وجود واقعی دارد و هیچ ضمانت اجرایی برای

انجام آن وجود ندارد؟! چرا حکومت مدعی دفاع از مستضعفان، تنها منافع مستکبران (بخش خصوصی و دلال های بازار) را تامین می کند؟!

این ادعاهای شما در زیر پرچم يك اعتقاد و در پشت ماسك خاص آن، توانست تداوم یابد. اگر مردم در مقابل این همه ستم، ایستادند، شما به ویلاها و کاخ‌هایتان در ینگه دنیا و کانادا و سویس و ... رفتید تکلیف آن پرچم و آن اعتقاد چه می‌شود؟! کاتولیک‌ها هم روزی روزگاری، همه‌ی اروپا را در اختیار داشتند!! حداقل، کاری کنید تا جایی مثل واتیکان را برای خودتان باقی بگذارید.

به کارگر فیلیپینی کارت شارژ همراه روزانه پرداخت می‌کنند تا با خانواده‌هایشان تماس داشته باشند کارگر ایرانی هم در همین اردوگاه کار نئولیبرالیستی کار می‌کند، ولی دریغ از حتی حقوق ماهانه‌اش. کارگران فیلیپینی کارت شارژ را به کارگران ایرانی نشان می‌دهند و با توهین می‌گویند: "هی، علی بابا می‌بینی." البته نباید واقعیت‌ها را ندیده گرفت، برخی از آنان در حق کارگران ایرانی هم لطف زیادی می‌کنند و شرایط هم طبقه‌ای‌هایشان را درک می‌کنند. به کارگر ایرانی طبق قانون کار دو روز و نصف باید مرخصی بدهند در هر ماه، یا پول آن‌را. هم شرکت خارجی دایلم و هم شرکت‌های "ریشدانه برنجی" وطنی نه مرخصی را می‌دهند و نه پولش را. باز هم طبق قانون کار سترون باید به کارگر ایرانی سنوات پرداخت کنند. پیمانکاران خارجی و وطنی با ریشخند می‌گویند: "اینجا منطقه آزاد یا ویژه تجاری است قانون کار شامل حالش نمی‌شود" و بخش مقدس خصوصی، این "حبیبان خدا!"، سنوات کارگران را به کیسه خود میریزند. باز هم طبق، همان قانون کار به کارگر ایرانی باید هر ماه حقوق پرداخت گردد همان چندرغاز توافق شده را ولی آن را پیمانکار در حساب خودش برای کارگر پس انداز می‌کند و بعد از چهار یا پنج ماه بستگی به نوع اعتراضات کارگران يك ماه آن را پرداخت می‌کند. آن هم با هزاران دروغ که کارفرما پول نمی‌دهد و من النگوهای زخم را فروخته‌ام و ... کارگر ایرانی طبق قانون کار باید هفت درصد حق بیمه بپردازد که پیمانکار آن را هر ماه از حقوقش کسر می‌کند، و به حساب خود میریزد. ولی باز هم طبق قانون کار پیمانکار باید بیست و سه درصد به هفت درصد اضافه کند و بابت بیمه کارگر به تامین اجتماعی بدهد. باز هم پیمانکاران با تکیه بر این که اینجا منطقه آزاد یا ویژه تجاری است، آن را پرداخت نمی‌کنند. برخی پیمانکاران هم که پرداخت می‌کنند، هفت درصد را طبق حقوق کارگر از او کسر می‌کنند ولی بیست و سه درصد را طبق حداقل حقوق پرداخت می‌کنند. به هر حال به قول

ادبیات لمپنی، که تلویزیون نوع گویش آن‌ها را همه‌گیر کرده است: پیمانکار " کفزی " می‌کند. این يك بام و دو هوا این تصور را به وجود می‌آورد که ما مشتی بیگانه هستیم و در کشوری بیگانه کار می‌کنیم. ایران شده کشور فلیپینی، مالزیایی و چینی و فلسطینی نه سرزمین ایرانیان، شاید ما را هم می‌خواهند مانند صهیونیست‌ها به دریا بریزند. از سوی دیگر فقر و درماندگی و ناتوانی در تامین هزینه های زندگی باعث گردیده برخی از روی ناچاری دست به تن فروشی بزنند. آری کارگر مسلمان از روی درماندگی خودش را به صاحبان بودائی و مسیحی فلیپینی این کشور می‌فروشند تا شرمنده‌ی خانواده اشان نباشند، در حالی که شخصیت خودش را له و تحقیر کرده است. یکی از آن‌ها در کنگان دستگیر و اخراج شد. همین اتفاق دو سال پیش در رابطه با کارگران چینی در اراک در یونیت ۱۴ فاز ۲ پالایشگاه اراک رخ داد.

آیا مناسبات اقتصادی امریکایی (نئولیبرالیسم) آن هم در کشوری که از نظر صنعتی و فرهنگی عقب رانده شده است و از نظر اقتصادی تنها به دلارهای نفتی و دلالی متکی است، ویران‌گر امروز و فردای ایران نیست؟ آیا سقوط اخلاقی جامعه، پائین آمدن سن تن فروشی از روی فقر، تن فروشی مردان، اعتیاد و زور گیری خیابانی و ... برآیند مناسبات اقتصادی موجود نیست؟ نگرش و شیوه‌ای که فقر و بیکاری را از يك سو و گرانی و ورشکستگی صنایع تولید کالایی را از سوی دیگر، در پی داشته است!

نگرش اقتصادی پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول که اقتصاد اروپا و امریکا را در هم پیچیده بوسیله فراماسیونرهای اقتصادی وطنی، بنام استادان دانشگاه و مشاوران دولت های بعد از جنگ به مناسبات تك قطبی اقتصاد ما تحمیل شده است و ایران را در جایگاه بحرانی امروزی‌اش قرار داده و ایران را بهشت بیگانگان و دلان کرده است، با واردات بی‌کیفیت‌ترین، کالاهای مصرفی و کارگران بی‌سواد و بدون تخصص. (در حالی که ایران دارای بیشترین و بهترین جوشکاران و لوله‌کشان صنعتی در آسیا است) جهنمی است برای ایرانیان، با فقر سیاه و اعتیاد و تن فروشی مردان و زنان.

البته این نکته را هم در نظر داریم که شرایط کار برای این کارگران در کشورهای خودشان بسیار بسیار نامناسب است. آنها هم در کشورهای خودشان شرایط بدتری از کارگران ایرانی در ایران دارند و... که در جای خود نیاز به بررسی و تحلیل دارد و نمونه های آن را در مقالات و گزارش‌ها می‌خوانیم. مهاجرات نیروی کار عاملی برای تداوم

سودهای کلان باز هم بیشتر برای سرمایه‌داران و دلان نیروی کار در تمام جهان است که به این طریق هم سطح دستمزدها پایین نگه داشته میشود و هم کارگران را مقابل هم قرار میدهد.

راستی ما داریم به کجا می‌رویم؟

۱۳۹۲/۳/۱۶

برگرفته از:

[http://kanoonmodafean1.blogspot.com/۲۰۱۳/۰۶/blog-post\\_۲۳.html#more](http://kanoonmodafean1.blogspot.com/۲۰۱۳/۰۶/blog-post_۲۳.html#more)